

جایگاه و تأثیر کارکردهای نظارتی حزب بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

علی حمیدی^۱
حسین آلکجباف^۲
حسن الفتی^۳

چکیده

حزب از باب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از جایگاه فقهی و دینی برخوردار است و از طرف دیگر، دارای پایگاه عقلی و مردمی، تحت عناوین اجتماعات و تشکلهای سیاسی می باشد و به همین دلایل در جمهوری اسلامی ایران، از جمله، جلوه های عینی آزادی عقیده، بیان و نماد مردم سالاری دینی و از مؤلفه های دینی و ملی قدرت نرم، به شمار می آید و از مصادیق و تضامین حقوق سیاسی مردم و محافظ و مروج احکام دین اسلام، خواهد بود. این پژوهش که با هدف تبیین کارکردهای نظارتی حزب و نقش آن بر قدرت نرم جمهوری اسلامی و به روش تحلیل محتوای کتابخانه ای تدوین شد. از نگاه اسلام، نظریات حضرت امام خمینی (ره) و قوانین و مقررات موضوعه، بررسی گردید. تجربه بهجامانده از فعالیتهای حزبی در ایران حاکی از این است که بعد از سال ۱۳۵۷ شمسی، احزاب به لحاظ محوریت قرارداد دین اسلام، طرد استبداد و استعمار، با رویکردی جدید و با هدف توازن قدرت و استقلال گرای ملی، فعال گردیدند در ذیل بیرق ولایت مطلقه فقیه، ضمن افزایش مشارکت مردم در حمایت از نظام و اقدام به نیروسازی سیاسی به تقویت قدرت نرم و اقتدار ملی می پردازند. لذا بخشی از یافته های این پژوهش، می گوید که گرچه حزب، کارکرد تکثیرگرایانه دارد اما از نگاه اسلام، عامل وحدت میان مسلمین می باشد بنابراین نتیجه حاصل از این نوشتار، چنین است که حزب، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار ضمانت و نظارت بر حقوق و آزادیهای ملت است و به مردم، کمک خواهد کرد تا در دفاع از آرمانهای جمهوری اسلامی، راه درست را انتخاب کنند و باعث مشارکت حداکثری مردم در انتخاباتها و تقویت سرمایه اجتماعی و قدرت نرم جمهوری اسلامی می شوند.

واژه های کلیدی: حزب، تحزب، قدرت نرم، توازن قدرت، سرمایه اجتماعی.

Ali.hamidi@pnu.ac.ir

۱. مربی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. مربی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

از جمله اجزای لاینفک نظام مردم سالار، وجود احزاب کار آمد و ناظر است که در چارچوب خاستگاه مورد نظر قانون، به فعالیت می پردازند. ایده جدید حکومت داری، تحت نام مردم سالاری دینی که بر اساس آموزه های فقه شیعی با محوریت سیره و سنن نبوی (ص) و ائمه اطهار (ع) در قالب جمهوریت در ایران شکل گرفت بعد از ۴۳ سال فعالیت، تا کنون توانسته مسیر شکل گیری و توسعه احزاب سیاسی را به درستی هموار سازد تا مردم بتوانند در ادای فریضه ی دینی امر به معروف و نهی از منکر در قالب احزاب کارآمد، نظارت لازم را از این مسیر بر اعمال حکومت، داشته باشند حال با توجه به این که حزب، عرفاً، کارکردی تکثرگرایانه دارد. اما چون جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ارزش های مردم سالارانه {دینی}، شکل یافته است (موسوی امجد و همکاران، ۱۱۴: ۱۴۰۰) و آیات و روایات اسلامی، مکرر توصیه به وحدت می کنند احزاب در جمهوری اسلامی ایران، متأثر از باورهای مذهبی، بیشتر از احزاب در کشورهای سکولار، سعی در حفظ وحدت در هدف و حفظ نظام دارند. بنابراین، از این منظر می خواهیم بدانیم که نظام مردم سالاری دینی، چگونه می تواند شاخصه های جمهوریت منجمله مقوله نظارت مردم بر رفتار حکومت را نهادینه سازد؟ به تعبیر واضح تر، چگونه می توان، ضمن تکثرگرایی احزاب و انتقاد مردم از دولت، به وحدت مورد نظر اسلام و منافع ملی و دینی دست یافت؟ برخی از اندیشمندان حقوقی - سیاسی، علت نبود این سازگاری و کارآمد نبودن احزاب سیاسی در تاریخ ایران را در مداخلات بیگانگان، بیان داشتند بعضی دیگر، نداشتن درک صحیح احزاب از حاکمیت و انحراف از مسیر نظارتی خود تلقی نمودند. دسته سوم که نظرشان به واقعیت نزدیک تر است علل ناکامی احزاب را در موانع تراشی های حکومت های سلطنتی گذشته در ایران، می پنداشتند تا هیچ مرجعی بر این قبیل حکومتها، نظارتی ننماید. اما از آنجائی که قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل بیست و ششم، به صراحت وجود تشکیلات سیاسی و احزاب را شرط لازم برای تقویت اقتدار نظام پنداشته است، این نوشتار که به روش کتابخانه ای تحلیل و تدوین شد به دنبال این هدف است تا در چارچوب موازین اسلامی، کارکرد نظارتی حزب را در ابعاد حاکمیتی، اجرایی و قانونگذاری تبیین و تاثیرگذاری آن را بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تشریح نماید بطوری که احزاب، ضمن مراعات موازین مورد نظر اسلام، بتوانند متحدان در تنازع رقابت آمیزی، بر رفتار دولتمردان نظارت لازم را داشته باشند، بنابراین، ضرورت دارد احزاب با

شفاف سازی اعمال دولت، توازن قدرت و وادار کردن حاکمان به پاسخگویی، نه تنها در اعمال حکومت مشارکت نمایند بلکه به کج فهمی های داخلی و خارجی که اسلام را در پاسخگویی به شبهات، نا کارآمد جلوه می دهند پاسخ گویند و به مردم این فرصت را بدهند تا با تشکیل گروه های مختلف سیاسی، بیش از پیش بتوانند در راه آرمانهای نظام مردم سالاری دینی، قدم بردارند بنابراین، فرضیه کلی این پژوهش، چنین است که بین کارکرد نظارتی احزاب با قدرت نرم جمهوری اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه تحقیق و اهمیت آن

پیشینه حزب و قدرت نرم به زمان شکل گیری دولت ها برمی گردد بابررسی آثار علمی بسیاری از پژوهشگران دانشگاهی و حوزوی، ملاحظه گردید که راجع به حزب و قدرت نرم به طور مستقل و جداگانه تألیفاتی وجود دارد اما علی رغم اهمیت و تأثیرگذاری چشمگیری که هر کدام از این عناصر بر شکل گیری، ثبات و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران دارد متأسفانه نسبت به رابطه این دو، بایکدیگر کم توجهی شده است و آثار پژوهشی علمی لازم نگاشته نشد. با توجه باینکه احزاب از جمله نهادهای نظارتی و در جای خود ارزش های سیاسی و به تبع آن از اهمیتهای سیاستگذاری در اداره کشور به شمار می آیند و قدرت نرم بر ۳ منبع فرهنگ، ارزش های سیاسی و سیاست خارجی استوار است. (نای، ۱۳۹۲: ۱۲۳) لذا به نظر می رسد هر دو مولفه حزب و قدرت نرم، بر یکدیگر تأثیر مستقیم دارند.

بند ۱ - چارچوب نظری

۱-۱- حزب:

حزب که در لغت به معنای گروه، دسته، یار و بزم، از آن نام می برند. (المعجم المفهرس). اصطلاحاً، به گروهی هم رأی، همراه و یا دسته ای از آیات هم سوء و هم جهت و یا به قطعه ای از زمین که خاک آن فشرده و یا روی هم انباشته باشد، گفته می شود. (مفردات راغب، معجم مقانیس اللغة) و در معنای لاتین، به آن party می گویند. هر یک از ۱۲۰ قسمت قرآن (معین، فرهنگ فارسی) گروهی از مردم که دارای مرام و مسلک معینی باشند. (عمید، فرهنگ فارسی). در فرهنگ نامه های حقوقی - سیاسی، تعاریف متعددی راجع به حزب آمده است.

اقتعریف شایع تر، قالب خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی است که با هدف کسب قدرت و یا حفظ آن و یا نقش آفرینی در تصمیم گیری های سیاسی، پدیدمی آیند. حزب، منشا هم گرایی آرمانها، باور ها و دیدگاه های مشترک سیاسی، اجتماعی است که به اجرای مرامنامه یا اساسنامه ی نوشته یا نانوشته ای متعهد می شوند (یوسفیه، ۱۳۹۱: ۳۹) در جوامع انسانی گذشته، اجتماعات گوناگونی وجود داشت عده ای از اندیشمندان غربی، آغاز پیدایش احزاب را به اواخر قرن ۱۷ میلادی و به تلفیق گروه های پارلمانی و کمیته های انتخاباتی و تحول تدریجی و تاریخی انتخابات کشور انگلستان محدود نمودند. (نقیب زاده، ۱۳۹۴: ۳۱)، اما اسلام قریب به ۱۵۰۰ سال پیش، از حزب به عنوان گروهی از انسانهای هم فکر و همراه دارای رویکرد توحید گرایانه، نام برد، بنابه اهمیت موضوع، سوره ای به نام «احزاب» در قرآن نام گذاری شد و از دو حزب یا گروه در آن یاد شد، یکی، حزبی که پیگیر تحقق اهداف الهی است و خداوند در تائید آن فرمود: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» دوم، حزبی که قرآن از آن به عنوان «حزب الشیطان» نام برده شد. واژه حزب در قرآن در سه حالت مفرد، مثنی و جمع استعمال شده است. علی الحلال حزب در اسلام، نسبت به موارد مشابه در غرب، قدمت بیشتری دارد. بنابراین در مرام دینی، سازوکار حزبی بطور کلی دو گونه است، احزاب اسلامی و احزاب غیر اسلامی، که این با ساز و کارهای مورد نظر نظام لیبرال غربی متفاوت است. در نظام لیبرال غربی، حزب مسئولیتی در قبال ترویج دین ندارد. اما از نگاه درون دینی و اندیشمندان اسلامی، حزب با هر شکل و فرمی که در جامعه اسلامی محقق شود، چیزی فراتر از موازین اسلامی، نمی تواند داشته باشد. در جمهوری اسلامی ایران، معمولاً در برنامه ها و فعالیتهای سیاسی، از حزب، بعنوان نهاد و سازمانی منظم در درون یک نظام سیاسی گفته می شود که از اشخاص حقیقی دارای یک هدف و آرمان مشترکی تشکیل یافته و دارای اساسنامه و مرامنامه خاصی بوده و در سایه رعایت و پیروی کردن از اصول قانون اساسی، در پی فتح قدرت عمومی باشد. طبق ماده اول قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی مصوب بهمن ۱۳۹۴ حزب، تشکیلاتی از اشخاص حقیقی، تحت عنوان گروه، دسته، جمعیت، جامعه، انجمن، مجمع و سازمان سیاسی است که با برنامه مشخص در جهت کسب و مشارکت در قدرت سیاسی، نقد و اصلاح آن در چارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مرامنامه و اساس نامه مصوب خود در سطح ملی یا استانی فعالیت می کند بطوری که اعضای آن، بعد از پذیرش

اساسنامه، از یکسری حقوق و تعهدات بر خوردار می گردند.

۱-۲. تحزب

تحزب که در فرهنگ های فارسی و عربی از آن به گروه گروه شدن، دسته دسته گردن (معین، فرهنگ فارسی)، گرد آمدن، گروه گروه شدن قوم (دهخدا، لغت نامه) یاد می کنند. در معنای دیگر، از آن، به جمع شدن مردم و طرفداری کردن از مرام یا رأی کسی، تعبیر می شود (عمید، فرهنگ فارسی) در معنای لاتین به آن، هوا خواهی، تعصب، فرقه بازی، گفته می شود تحزب، مفهومی صرفاً غربی و یاعربی نیست بلکه آن در ادبیات فارسی، بسیار استعمال شده است و هدفی فراتر از اهداف مورد نظر نظام لیبرال غرب، دنبال می کند بدین معنی که حزب در نگاه غرب، هدفی بالاتر از کسب قدرت و حکومت داری ندارد اما در رویکرد اسلامی، وسیله ای برای ایجاد وحدت بین مسلمین، خواهد بود و فراتر از حکومت داری توجه دارد. طبق وعده خداوند در قرآن «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»، گروه و حزبی که اهداف الهی و مصالح مسلمین را دنبال کند پیروز خواهد بود، یعنی این که، مسلمین برای رسیدن به این آرمان معنوی، به وحدت نیاز دارند و در صورت داشتن وحدت، پیروز خواهند شد. از این رو، تحزب گرایی، گرچه در رویکرد نوین سیاسی، موجب تفرقه و تکثر گرایی می شود و غایت آن، کسب قدرت خواهد بود اما، رویکردی که فقط پیکار سیاسی باشد منطق اسلام نمی پذیرد، اسلام، شکل گیری احزاب و تشکل های سیاسی، اجتماعی را برای نظارت بر حکومت از منظر امر به معروف و نهی از منکر پذیرفته است تا امور جامعه، اصلاح، استعمار و سلطه پذیری، نفی، و مرزهای جغرافیایی مسلمین، حفظ شوند و در نهایت، سعادت دنیوی و اخروی آنها محقق گردد. بنابراین، علل و اهداف تحزب گرایی، در نظام جمهوری اسلامی با نظام غرب متفاوت خواهد بود. در جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، ضمانت عدم انحراف احزاب از حدود موازین دینی و مبانی اسلامی خواهد بود تا با حفظ استقلال کشور، احزاب مختلف در آن به فعالیت، بپردازند، از جمله مؤلفه های دینی که می تواند به عنوان یک جریان نهادینه شده و قانونمند، زمینه ی مناسبی، برای شکل گیری و گسترش اندیشه تحزب در جامعه، فراهم آورد. نهادشوراهای محلی هستند. (فیرحی، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

۳-۱. قدرت نرم:

از قدرت، تعاریف زیادی در ادبیات حقوقی-سیاسی آمده است اما علی رغم استعمال فراوان این واژه، بنا به تعبیر رابرت دال، هنوز اجماع لازم راجع به تعریف واحدی صورت نگرفت (عالم، ۸۹: ۱۳۸۰) اما آن چه باین پژوهش سازگاری دارد «توانایی دارنده آن است برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی» (آشوری، ۲۴۷: ۱۳۶۶) و «زمانی که در قالب افراد یک جامعه (ملت) مدنظر باشدمی توان توانایی های آن جامعه را قدرت ملی نامید.» (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۹۳: ۱۳۹۰) قدرت که با توجه به ابزار مورد استفاده در تحقق اهداف خود به سخت و نرم تقسیم می شود در جامعه اسلامی نظیر جمهوری اسلامی ایران، ماهیت دینی دارد قدرت نرم که نتیجه بازشناسی منابع مختلف قدرت در ادوار تاریخی است در ادبیات دین اسلام به معنای جذب انسان ها و جوامع انسانی با اندیشه و عمل فارغ از خشونت، تعبیر می شود از نگاه اندیشمند غربی «جوزف نای»، این نوع قدرت به عنوان شکل سوم قدرت در کنار قدرت اقتصادی و قدرت نظامی، «مبتنی بر توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران است و آن توانایی ای که تولید جذابیت می کند و منجر به فرمانبرداری و تبعیت می گردد» (نای، ۲۰۰۷: ۱۶۳) و «در دو سطح کلی و خرد (شخصی) قابل بررسی است که بارزترین نمونه آن در سطح خرد، تصویری است که ماکس وبر، جامعه شناس شهیر آلمانی، از نفوذ و اقتدار بلامنازع شخصیت های بزرگ و چهره های متنفذ و کاریزما، به دست داده است». (موسوی وقنبری، ۱۳۹۹: ۲۸۲) با این توصیف و با تأملی بر موفقیت های چشمگیر انقلاب اسلامی ایران به نظر می رسد این نوع قدرت در جمهوری اسلامی، بر فرهنگ اسلامی، پشتوانه مردمی و سیاست های نهادهای حکومتی استوار است و با اهمیت بالایی که دارد در ایران، به دلیل داشتن یک نظام سیاسی دینی و مردمی و وجود مخالفت ها و چالش های گوناگون، اولویت بیشتری دارد. (ملک زاده، ۱۱۰: ۱۳۹۴)

۴-۱. تاریخچه ی حزب در ایران

در ادوار تاریخی، گروه های جمعیتی زیادی به فراخور شرایط فرهنگی، اجتماعی آن زمان، در ایران تشکیل شدند اما هیچکدام با مؤلفه های حزبی متداول امروزی، تناسب نداشتند. با نسیم آزادی سیاسی از دوره مشروطه و الگو گرفتن از وضعیت سیاسی وقت برخی کشورهای

غربی، سه جریان فکری، چپ یا مارکسیست، اسلامی و ملی گرا در کشور پدید آمدند و به تبع این جریانات، جلوه‌هایی از حزب تحت عناوینی چون دموکرات عامیون و اجتماعیون اعتدالیون، شکل گرفت این روند تا پایان دوره قاجار، تقریباً ادامه داشت با استقرار حکومت رضاشاه، فضای احزاب سیاسی چندان رشد نکرد از سال ۱۳۲۰ به بعد چندین حزب سیاسی در کشور شکل گرفت اما غالب آنها، از تشکیلات سراسری در کشور برخوردار نبودند. ساختار هر کدام از این احزاب، بجز حزب توده، به جای داشتن شخصیت حقوقی مستقل، به رهبر و یا مؤسسين حزب وابسته بود. تشکل‌هایی که بین سال‌های ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۵۷ در اقصی نقاط ایران تشکیل شدند به معنای دقیق کلمه، نمی‌توان نام حزب بر روی آنها نهاد، غالب چنین گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی که از انسجام درونی لازم برخوردار نبودند، نتوانستند در بین مردم، پایگاهی کسب نمایند، آنها به جای رقابت با یکدیگر، بیشتر در صدد حذف همدیگر و حتی با گروه‌های حاکم و دولت برمی‌آمدند. (محمودی نژادیان، ۱۳۶۹: ۴۷) بنابراین به نظر می‌رسد که احزاب تا قبل از سال ۱۳۵۷ شمسی در ایران، به عنوان یکی از ضروریات مشارکت مردم در امور کشور، متولد نشده بودند بلکه حسب شرایط طبیعی و عینی جامعه سر در آورده بودند. از این مقطع تاریخی به بعد، فضای سیاسی کاملاً جدیدی بر کشور حاکم شد احکام دین اسلام بویژه مذهب شیعه، محور برنامه ریزی کشور قرار گرفت، احزاب و جریانه‌های سیاسی با این نگاه، فعال شدند و در امور حکومت داری سهم و شریک گردیدند. بدین صورت که احزاب و گروه‌های سیاسی منتسب به اصول‌گرایی با نگاه حداکثری و احزاب و تشکل‌های سیاسی موصوم به اصلاح طلبی با نگاه حداقلی به موازین دین اسلام. به رقابت در مشارکت پرداختند گفتمان دموکراتیک جامعه مدنی، در سالهای اولیه انقلاب اسلامی، ظهور زودگذری یافت اُمادر سال‌های اخیر به علت بحران در گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک، از نو احیاء شد (حسینی شیرازی، ۱۴۰۳: ق: ۳۱۵) در نظام جمهوری اسلامی، احزاب دارای پروانه در چارچوب موازین اسلامیت و بامتکی بر بعد جمهوریت، بصورت آزادانه، فعالیت می‌کنند شهید مطهری در این مورد چنین فرمود: که... اگر کسی در زیر لوای اسلام، افکار و عقاید خودش را به ما بگوید ما حق داریم که از اسلام خودمان دفاع کنیم و بگوییم که اسلام چنین چیزی را نمی‌گوید. (مطهری، ۱۷: ۱۳۶۹) منظور شهید از بیان چنین جملاتی این بود که تعدادی از احزاب شکل گرفته قبل از انقلاب که با جریانات شکل‌گیری انقلاب اسلامی همراهی داشتند به لحاظ تأثیرپذیری از رفتار و دستور

بیگانگان به دنبال منافع آنها در کشور بودند اما بعدها متوجه شدند که انقلاب اسلامی، نفوذ و نسخه هیچ استعماری را نمی پذیرد، آنگاه از مسیر انقلاب جدا شدند. در سال ۱۳۶۵ ش، با شروع ترورها، توطئه ها و قیام های مسلحانه آنها علیه نظام جمهوری اسلامی، فعالیت اکثر آنها متوقف شد. (هاشمی تروجنی، ۱۳۹۱: ۵۷) در ماههای اول انقلاب، «حزب جمهوری» توانست بسیاری از نیروهای مؤمن انقلابی را سروسامان دهد. امروزه بیش از ۲۴۰ حزب وتشکل سیاسی در ایران از کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب مجوز فعالیت دارند، اما همچنان باید اقرار کرد که احزاب در ایران، هنوز رشد کیفی لازم را نکرده بطوری که پیشرفت وتوسعه کشور، با مواضع مربوط به احزاب گره خورده است.

۵-۱. حزب از نگاه اسلام

در کنار احکام هدایت ساز دین مبین اسلام، یکسری ابتکارات عقلی برای سروسامان دادن زندگی اجتماعی انسانی پدید آمده اند که یکی از این بدیهیات عقلی، پدیده حزب وتحزب گرای است. قرآن مجید نه تنها این پدیده را پذیرفته، بلکه به بقا و استمرار آن تأکید نموده است. بطور ضمنی در قرآن، به سه گروه که دارای آرمان مشترکی همچون حزب، هستند، اشاره شده است. یکی، گروهی که برای یاری رساندن به همدیگر، تشکیل می شوند «الْجَمَاعَةُ الْمَتَظَاهِرَةُ الَّتِي يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ فِي الرِّضَاعِ» بنابراین، انسانها، برای رفع نیازهای یکدیگر، گاهی حسب ضرورت، به طور فی سبیل الله، گروه هایی، تشکیل می دهند تا باهم افزایی، مشکلات یکدیگر را مرتفع سازند. دوم، فرقه: برای همگرایی در نحله ها و گروه های مذهبی، وسوم، حزب: جماعتی که دارای آرمان مشترک و هدف خاصی باشد. از اینرو، خداوند از همه این تعبیربرای شناخت دو حزب الهی و شیطانی استفاده می کند و بارها در قرآن به مسلمان ها مژده داده است، حزبی که دارای آرمان الهی باشد پیروز خواهد بود در همین راستا، چهار عنصر فقهی در اسلام وجود دارد:

الف- فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر، در تبیین وتشریح این عنصر عبادی- سیاسی، خداوند در قرآن فرمود «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (باید که در بین شما، جماعتی باشند که مردم را به خیر فرا خوانند، امر به معروف کنند و از کارهای ناپسند باز دارند وهم ایشان اند

رستگار» (آل عمران، آیه ۱۰۴) این آیه شریفه، مسلمانان را برای اصلاح امور و نظارت بر نظام اجتماعی دعوت می‌کند، لازمه چنین هدف الهی، داشتن ابزار سیاسی - اجتماعی کافی همچون حزب و تشکلهای سیاسی، خواهد بود. در آیه ی ۱۴۹ سوره ی بقره، آمده است «..... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...» «... پس در نیکوکاری از یکدیگر سبقت بگیرید...» از این رو، برای رفع معضلات اجتماعی - سیاسی، و انجام امور خیر و تحقق اقتدار نظام اسلامی، ضرورت دارد مسلمانان در قالب گروه های مختلف با یکدیگر رقابت کنند.

ب- دومین عنصر، مقوله ی شور و مشورت هست، خداوند در سوره ی شوری، امر مهم مشورت مردم با همدیگر را موجب نزدیکی آنها با یکدیگر و تشکیل اجتماعات دانسته است، لازمه ی تحقق این امر حیاتی، داشتن آزادی بیان خواهد بود که با تشکیل حزب، به عنوان یکی از کانونهای شور و مشورت، تجلی پیدامی کند. شورا و حزب نه تنها باعث تقویت روحیه ی مشارکت و مجالست مردم می شوند بلکه با بالا بردن آستانه ی تحمل آنها، بر قدرت نرم نظام اسلامی، می افزایند به تبع این، برنامه ریزیهای کشور کارشناسی تر گرفته می شوند و انهایه امر مهم حکومت داری اسلامی تسهیل می گردد.

ج- سومین عنصر، امر مهم بیعت با حاکم است که امروزه در شکل انتخابات، جلوه می کند و حزب، یکی از لوازم ضروری آن به شمار می آید بدین نحو که با معرفی کاندیدهای همسوی خود، تور تبلیغات انتخاباتی را گرم تر و به تبع آن فرآیند مشارکت مردم را همواری سازد. حزبی هم که بیشترین استقبال را از مردم داشته باشد ممکن است تعداد دیگری از گروه ها و احزاب کوچک، از برنامه های آن، تبعیت کنند و در نتیجه با کسب آراء بیشتر، کرسیهای زیادتری از قدرت و حاکمیت اشغال نماید.

عنصر چهارم مورد تاکید اسلام، عنصر بنیادین «عدالت اجتماعی» است وجود احزاب بادیگاه ها و سلائق متنوع، با حفظ منافع ملی و سروسامان دادن به نگرشهای مختلف، خواهند توانست به توازن قدرت و تحقق عدالت اجتماعی، کمک کنند. از این رو، به تبع این عدالت عمومی، رضایت عمومی حادث می شود و این میزان رضایت مندی، باعث تقویت قدرت نرم نظام و استحکام پایه های دفاعی، اقتدار و عزت کشور اسلامی در تمامی صحنه های ملی و بین المللی می شود.

۶-۱. حزب از نگاه حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) در طول عمر بابرکت خویش، بر سیر تحولات احزاب و تشکلهای سیاسی در ایران، توجه ویژه داشت. در قبل از انقلاب، سعی داشت ماهیت احزاب وابسته و فرمایشی را افشا کند مردم را از همکاری با احزاب منحرف چون حزب رستاخیز، بر حذر می داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بر آزادی احزاب و گروههای سیاسی در چارچوب قانون اسلام تاکید می کرد. با ملاحظه سخنان، وصیت نامه و موضع گیریهای امام (ره) راجع به احزاب و تشکلهای سیاسی، مواردی از وظایف نظارتی آنها به نظر می رسد امام (ره) در خصوص نظارت احزاب بر انسجام درونی و جلوگیری از تفرقه فرمود: احزاب از تفرقات و افتراقها، پرهیز کنند احزاب مختلف بگذارند استقرار پیدا کنند بعد هر کاری که می خواهند بکنند.... اگر شما، ملت را دوست دارید برای خاطر ملت، اگر کشورتان را می خواهید برای خاطر کشور، بازی نخورید، (۱۳۵۸/۰۴/۱۶) من باز از همه قشرهای ملت، از همه روشنفکران، از همه احزاب، از همه دسته جات و گروه هایی که مع الاسف تاکنون شاید دو بیست گروه پیدا شده باشند. -تقاضای کنم که مسیرتان، مسیر ملت و مسیر اسلام باشد و... (۱۳۵۸/۰۵/۲۶) اینجانب [امام] به حسب وظیفه اسلامی و اخلاقی، به گروه های داخل کشور، اعم از تهران، کردستان و سایر نواحی ایران، در هر نقطه که هستند پدران توصیه می کنم که به آغوش گرم اسلام و ملت مسلمان برگردید. (۱۳۵۹/۱۱/۰۱) من به شما احزاب و گروه ها، چه آنهایی که به چپگرایی معروف هستند و چه آنهایی که از غرب ارتزاق می کنند و الهام می گیرند و چه آنهایی که با اسم خود مختاری و طرفداری از کرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هستی ساقط نموده و مانع از خدماتهای فرهنگی و بهداشتی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها می شوند مثل حزب دموکرات و کومله، وصیت می کنم که به ملت بپیوندید.... مطمئن باشند که اسلام برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب وهم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام می دهد. (۱۳۶۸/۰۳/۱۵)

۷-۱. حزب در قوانین و مقررات موضوعه جمهوری اسلامی ایران

در راستای نظریه دستور گرایی، قانون اساسی که تضمین کننده ی حقوق و آزادی ملت ایران است در فصل سوم، از حزب به عنوان یکی از مصادیق حقوق و آزادی های مردم، نام برده

است و بر آزادی احزاب و تشکلهای سیاسی در کشور به عنوان یکی از حقوق مسلم ملت، تأکید نموده است. در فرایند مذاکرات تدوین قانون اساسی در ابتدای اصل ۲۶، کلمه «تشکیل حزب» آمده بود در همین خصوص، حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) چنین سوال کرد که آیا منظور «تشکیل» تنهاست یا دوام را شامل می شود؟ در پاسخ، دکتر قائمی گفت که دوام را هم شامل است. تا اینکه برای ابهام زدایی، واژه «تشکیل» را هم برداشتند (سجادی، ۱۳۸۰: ۸). بنابراین طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل بر آزادی فعالیت های احزاب است البته نه به معنای هرگونه آزادی، بلکه برای حفظ نظام، همچون دیگر کشورها، یکسری پارامترها بایستی رعایت شوند یعنی اینکه احزاب برای اعتدالی حقوق مردم و حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی و یا اخلاق عمومی، محدودیتهایی نیز خواهند داشت (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۰) لذا در قانون اساسی، به عنوان مهمترین میثاق نامه ی حقوقی - سیاسی ملت و دولت، احزاب همانند جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی می بایستی شرایط و قیودی بپذیرند تا حیات سیاسی آنها دچار اختلال و توقف نگردد. یکی از این پارامترها این است که فعالیتهای سیاسی - اجتماعی آن حزب تحت هیچ شرایطی نباید چارچوب استقلال سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و یا فرهنگی کشور را نقض کند و بهانه ای برای مداخله استعمارگران در امور کشور فراهم آورد، دوم، همانطوری که قانون گذار مکلف کرده هیچکس را نمیتوان از شرکت در حزبی منع کرد و یا به شرکت در یکی از احزاب کشور، مجبور ساخت. بنابراین برنامه های آن حزب، نباید به آزادی مورد نظر قانون، خدشه وارد کند، وحدت ملی و منافع ملی را جریحه دار سازد بطوری که انسجام درونی کشور تضعیف گردد. اما مورد چهارمی که هر حزبی در جمهوری اسلامی ایران بنابه توصیه قانون اساسی، نباید از چارچوب آن عدول و خروج نماید. تطبیق برنامه های سیاسی، اجتماعی آن حزب با مبانی و موازین دین اسلام است. همانگونه که در اصل ۲۷ قانون اساسی، تصریح شده است تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها باید بدون حمل سلاح باشد و یامبانی دین اسلام در تقابل و تغایر نباشد. از این رو، تجمعات حزبی هم باید طبق این قاعده آمره، صورت گیرد. هر حزب سیاسی، می بایست اصول اعتقادی توحید و معاد را با اصول کلی عدالت و قانونمداری معجون و یا رویکرد وحدت گرایانه، مسیر راه حیات خود و فصل الخطاب امور خود قرار دهد. «اصل هدایت و رهبری مستمر را پذیرا باشد. شبکه روابط اجتماعی اعضای آن بر اساس گزاره های دینی تنظیم شود». (واعظی، ۱۳۷۸: ۸۹) نکته قابل

تأمل، ارتباط حزب با محوری ترین رکن نظام جمهوری اسلامی یعنی ولایت مطلقه فقیه است، از آنجائیکه در نظام جمهوری اسلامی امر مشروعیت سازی برنامه ها و سیاست ها، از کارکرد های ولی فقیه است و در نظام لیبرال دموکراسی، این وظیفه، بر عهده احزاب می باشد یعنی وجود احزاب در آن نظام لیبرالی، بامشروعیت آن نظام رابطه مستقیم دارد، حال سؤال اینجاست که در نظام مردم سالاری دینی، بین حزب و ولایت مطلقه فقیه، چه رابطه ای وجود دارد؟ از جمله مولفه های مورد پذیرش و تأکید قانون اساسی نظام مکتبی جمهوری اسلامی، موضوع حزب و تشکلهای سیاسی است که قوانین عادی و مقررات موضوعه، اجرای این مهم را تسهیل می کنند. با توجه باینکه ولایت امر و امامت امت که هدایت جامعه اسلامی را بر عهده دارد به طور غیر مستقیم بر فعالیتهای احزاب، نظارت دارد یعنی وقتی که قوانین و مقررات قبل از ابلاغ برای اجرا، به تأیید شورای نگهبان می رسند آن وقت نظارت تشریحی ولی فقیه نمود پیدا می کند. از طرف دیگر، یکی از شرایط عضویت افراد در احزاب و تشکلهای سیاسی در جمهوری اسلامی، اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی و اصل محوری ولایت مطلقه فقیه است. از این رو، به لحاظ مبنایی، تعارضی بین ولایت مطلقه فقیه و حزب وجود ندارد تجربه فعالیت های حزبی بعد از انقلاب، نشان داده است که نه تنها تکثر گرای حزبی موجب تضعیف نظام نشده است بلکه در چار چوب قانون اساسی، موجب تقویت نظام شده است. طرح احزاب و تشکل های سیاسی در ۱۸ تیر ۱۳۶۰ در مجلس اول، به تصویب رسید و در مجلس بعدی، اصلاحاتی در آن صورت گرفت قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۴ در مجلس شورای اسلامی مصوب گردید بعد از اینکه شورای نگهبان ایراداتی به آن گرفت، مجلس شورای اسلامی بنا به مصلحت و عرف جامعه نسبت به متن تصویب شده اصرار ورزید، سپس توسط رئیس مجلس شورای اسلامی، برای رفع اختلاف، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد از سوی آن مجمع در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۸ موافق با مصلحت نظام، تشخیص داده شد و به تصویب اکثریت اعضا رسید. این قانون که مشتمل بر ۲۳ ماده و ۴۸ تبصره می باشد بعد از پایان ۱۰ سال اعتبار، قابل تمدید خواهد بود. احزاب دارای مجوز فعالیت از کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب، موظفند ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون وضعیت خود را با شرایط مندرج در آن تطبیق دهند.

بند ۲- رابطه حزب و قدرت نرم در جمهوری اسلامی

عمده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، با توجه به آیه... إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ از باور افراد جامعه به باور های اسلامی و شیعی ایجاد می شود این کانون، در ۴۳ سال گذشته سبب تداوم و قدرت حاکمیت گشته و در هر کجا که نیاز بود اقدام به اعمال قدرت خشن برای بقای حاکمیت در قالب نیرو های مردم چه در جنگ تحمیلی و چه در بلایای طبیعی و حرکت های اجتماعی نموده است. احزاب در جامعه اسلامی ایرانی در صورتی که بتوانند بارویکرد اسلامی، باور های انقلاب اسلامی را در اذهان پیروانشان ایجاد نمایند خواهند توانست بر جریان قدرت نرم تأثیر گذار باشند و در بخشی از قدرت نرم هسته حاکم، شریک گردند و از این طریق تفکرات خود را پیش ببرند و بدون شک حزبی پایدار خواهد ماند که بتواند تمام یا بخش قابل توجهی از قدرت نرم در آن جامعه را از آن خود نماید اگر به طور مختصر، مؤلفه هایی چون نام سرزمین ایران و هویت ایرانی، تاریخ و جاذبه های فرهنگی و تمدنی، قدمت و تنوع زبان فارسی، کیفیت برتری روی انسانی هوشمند و کارآمد، روحیه ظلم ستیزی، خودباوری، وجود اندیشمندان و فلاسفه بزرگ - مساجد، روحانیت، روحیه جهاد و شهادت، ولایت پذیری و مهدویت گرایی را جز مؤلفه های ملی و دینی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بدانیم، حزب از جمله نهادهایی است که هم جایگاه دینی دارد و هم از پایگاه و دستاورد عقلی و مردمی برخوردار است و در هر دو دسته، رد پای آن به چشم می خورد، با تأملی بر کارکردهای تاریخی حزب، ملاحظه گردید احزابی که توانسته اند در ادوار گذشته، بخشی از قدرت نرم را از آن خود کنند کماکان بازیگردانهای اصلی دولت و نظام بودند بنابراین، این رابطه حزب و قدرت نرم، دوسویه است هم احزاب بر قدرت نرم اثر می گذارند و هم به تناسب، از آن اثر می پذیرند و هر چه این رابطه وسعت بیشتری داشته باشد حزب توانایی بیشتری در سهم خواهی و کنترل جریان قدرت، پیدا می کند.

بند ۳- تأملی بر کارکردهای نظارتی حزب و تأثیر آنها بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

هر حزبی که دارای پروانه از کمیسیون احزاب در کشور باشد از یک سری حقوق و تکالیف برخوردار است که به فراخور فعالیت های خود می تواند از آنها برخوردار و یا به انجام برساند، از جمله ی این حقوق و تعهدات، نظارت بر اعمال و رفتار حکومت خواهد بود که از منظر فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر و در چارچوب قانون، می تواند این تکالیف را عملی سازد.

تشکیل و توسعه احزاب با سلیقه های متفاوت، علاوه بر این که به افزایش مشارکت مردم در تصمیمات سیاسی، اجتماعی کشوری انجامد و بر اعتبار، مقبولیت حکومت و ثبات آن در روابط بین الملل می افزاید. در چارچوب منافع ملی، این حق برای احزاب در قانون پیش بینی شده است که بتوانند به عنوان یک نهاد غیررسمی و کارآمد از خدمات دولت و رفتار دولتمردان انتقاد کنند. نقاط ضعف را به کارگزاران نظام برسانند تا دولتمردان هم به تجدید نظر در تصمیمات و برنامه های خود در قبال مردم، بپردازند و هر چه نظارت احزاب مؤثرتر باشد رابطه بین ملت و دولت مستحکم تر می شود و مشارکت اجتماعی در همه عرصه های ملی بیشتر می گردد و در نهایت سرمایه اجتماعی و به تبع آن قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی، تقویت خواهد شد، بنابراین با توجه به قانون احزاب و تجربیات به جامانده قبلی، می توان بصورت مختصر کارکردهایی برای حزب از بعد نظارتی، تعریف و تأثیر آنها را بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به اجمال تبیین نمود.

۱-۳. هدایت انتخابات ها

حزب از جمله عناصر نظارتی کارآمد و مفیدی است که می تواند بطور ساده، رضایت اکثریت افراد جامعه را نسبت به انتخاب فرد اصلح برای ورود به بدنه حاکمیت، هموار سازد. (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۲) با توجه به این که احزاب سیاسی می توانند کاندید معرفی کنند و در فرایند تبلیغات و بعد از انتخابات، حمایت و راهنمایی لازم را به ایشان داشته باشند (بندت ماده ۱۳ قانون احزاب مصوب ۱۳۹۴) از طریق ارائه ی اطلاعات و شکل دادن به افکار عمومی، می توانند افراد را به مشارکت به نفع کاندید یا کاندیدهای طرفدار خود وادار کنند. (نقیب زاده، ۱۳۹۴: ۹۸) البته، باتوانایی که در زمینه انتخاب فرد اصلح در انتخابات دارد، همان طور هم می تواند بر عملکرد آن فرد منتخب، نظارت لازم را داشته باشد تا نه تنها از مسیر قانون و آرمانهای نظام منحرف نشود. بلکه کارآمدی بیشتری از خود نشان دهد و رضایت مندی مردم را نسبت به نظام بیشتر کند و از آنجایی که «اعتماد» از جنبه های مهم روابط انسانی و زمینه مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است». (منوریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵۷) و «باعث حفظ انسجام و هماهنگی در سیستم ها می شود» (نجف بیگی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴)، احزاب باید هم در فرایند تبلیغات، هم در زمان برگزاری انتخابات و هم بعد از انتخاب گزینه یا گزینه های مورد نظر يك حزب، باید

میزان اعتماد عمومی مردم را تقویت کنند تا به همان نسبت، قدرت نرم نظام، بالا رود.

۲-۳. انسجام نیروها

همانگونه که ماکس وبر، در کتاب اقتصاد و جامعه، منابع اقتدار را در سه بخش: سنتی (سلطه سنتی در نظام سلطنت موروثی) - قانون و عقلگرایی (حق فرمانروایی از متن وقوانین جامعه برمی آید) و بخش فرهی یا کاریزماتیک، که حق فرمانروایی را ناشی از پویایی و صفات رهبر سیاسی جامعه می داند، تقسیم بندی نمود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۱۵) احزاب که از متن وقوانین جامعه ناشی می شوند بر پایه اعتقاد به قانونی و عقلایی بودن الگوهای هنجاری و توجه به رسالت ذاتی خود در جامعه اسلامی که ایجاد وحدت درون دینی و مبارزه با طاغوت است می توانند با جذب نیروهای تازه کار، نوپا و انقلابی و آموزش های عقیدتی - سیاسی به آنها، نوعی همگرایی سیاسی بین اقسام مختلف مردم به وجود آورند و از این راه با تربیت نیروهای کارآزموده، علمی و فنی به تقویت اقتدار و همین طور قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی بپردازند. بنابراین در نظام حزبی و دینی، نه تنها با بسیج نیروها، مشارکت سیاسی در امور حکومت صورت می گیرد بلکه با استبداد و خودکامگی هم، مبارزه می شود. (پور فرد، ۱۳۸۴: ۸)

۳-۳. مخالف قانونمند و پاسخگویی شفاف

ممکن است در یک جامعه قانونمند، حزبی به عنوان «مخالف قانونمند» تلقی گردد یعنی این که به نظام سیاسی و قانون اساسی، اعلام وفاداری کند اما در عمل با سیاست های اشتباه حاکمیت در تعارض باشد، حزب کمونیست ایتالیا و فرانسه از این دسته، هستند. (میختر، ۱۳۷۳: ۶۴) در نظام مردم سالاری دینی، چنانچه ترکیب نمایندگان پارلمان از احزاب مختلف با سلاتق گوناگون سیاسی باشند و اعضای کمیته نظارت بر رفتار نمایندگان در مجلس شورای اسلامی، دارای ترکیب متوازی از احزاب سیاسی متعدد، باشند بدون شک، نمایندگان مجلس و به تبع آن خود پارلمان، به دنبال شفاف سازی و پاسخگویی بیشتری خواهد بود و از آن طرف، به لحاظ وظیفه نظارتی که مجلس بر نهادهای عمومی کشور دارد این شفاف سازی، در رفتار دیگر قوا هم تسری پیدا می کند به طوری که مقامات قوه مجریه و شوراهای محلی شهر و روستا، علاوه بر اینکه به احزاب حامی خود پاسخگویی شوند مکلف می گردند به انتقادات و درخواستهای احزاب

رقیب و گاه‌مخالف خود و همین طور مردم عادی، گزارشاتی از عملکرد خود اعلام نمایند و به درستی پاسخگویی نیازهای جامعه باشند تا حمایت مردم از سیاستهای نظام تقویت گردد.

۴-۳. قانون مداری

یکی از اصول دستیابی به سعادت بشری، پایبندی به قانون، است با قانونگرایی، مسئولیت پذیری و انتخابات منظم و نظم پذیری در جامعه بدون اجبار و سلطه‌ی غیر منطقی قدرت، قابل اجراست و کلید رمز این موفقیت، باور و اعتقاد به قانون است. (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۹۳) یکی از کارکردهای نظارتی حزب، قانونمداری است و رصدمی کند تا مقامات حکومتی از مسیر قانون عدول نکنند. تصرفات مالی خارج از قانون نداشته باشند تا قانونمداری احزاب و دولتمردان، نه تنها اعتماد مردم به نظام را بیشتر می‌کند بلکه پایبندی آنها به قانون را نهادینه می‌کند. و به تبع این مهم، قدرت نرم نظام ارتقاء می‌یابد.

۵-۳. اعطای حق تعیین سرنوشت به مردم

سرمایه اجتماعی از نقطه نظر درجه و میزان عینیت پذیری ابعاد آن، دارای بخش «ساختاری»، شامل اموری ملموس و تسهیل کننده مانند شبکه‌ها، نهادها و تشکلهای، و بخش «شناختی» شامل امور فرهنگی و غیرلمسی، می‌باشد (حق پناهان، ۱۴۳: ۱۴۰۰) آموخته‌ها، هر یک از احزاب و تشکلهای، سعی دارد تا مردمی بودن خود و بالابردن سرمایه اجتماعی کشور را اثبات کند گرچه در عمل، بسیاری از آنان، به این خواست واقعی مردم و منافع و مصالح آنان اعتنایی ندارند اما همیشه در رقابت با جریانهای مخالف از نام مردم کمک می‌گیرند. (منصوری، ۱۳۸۶: ۶۸) در طول تاریخ، دولت‌هایی که به مشارکت سیاسی مردم، اهتمام بیشتری ورزیدند در دراز مدت، ثبات و اقتدار ملی خود را بیشتر از دیگر دولت‌ها، حفظ کردند بنابراین، هدایت احزاب و مشارکت آگاهانه‌ی مردم در امور کشور، از مهمترین علل بقاء و دوام نظام جمهوری محسوب می‌شود. در نظام دینی مبتنی بر حزب و رأی مردم، چون مردم از ارکان نظام سیاسی محسوب می‌شوند حق تعیین سرنوشت از جمله‌ی حقوق اساسی آنها، خواهد بود. (پور فرد، ۱۳۸۴: ۸۲) حضرت امام خمینی (ره) در این باره فرمود: «حق تعیین سرنوشت از حقوق اساسی مردم است که به موجب آن هر ملتی باید سرنوشت خود را خودش تعیین کند» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳۹: ۲۰۴)

۶-۳. افزایش سطح آگاهیهای مردم

هر حزبی برای تقویت نفوذ و قدرت خود ناچار است که از افراد مختلف علاقمند به مسائل سیاسی-اجتماعی دعوت و عضوگیری به عمل آورد. مسائل مربوطه حزبی و سیاسی را به آنها آموزش دهد. افراد آموزش دیده را هدایت و از آنها در رده های مختلف تشکیلات حزب، بکارگیرد. این شیوه فعالیت های حزبی و بعضاً "مسئولیت های اجرایی و سیاسی کشور، نوعی آموزش عملی سیاسی محسوب می شود. اعضای حزب، بعد از مدتی که در درون حزب حضور سیاسی داشته باشند سعی می کنند که یک یا چند نفر از افراد خودی را به اجماع نظر اکثریت، برای انتخابات ریاست جمهوری یا نمایندگی مجلس و همین طور برای شوراهای محلی، معرفی و کاندید نمایند، باین حال، می توان گفت که انتخابات، موقعیت استثنایی برای احزاب، به وجود می آورد تا ظرفیت و تأثیر گذاری خود را علنی سازند، از آن طرف، دیگر افراد، هم با مشاهده رفتار سیاسی اعضای حزب، نوعی آگاهی و بینش سیاسی نسبت به امور جامعه پیدا می کنند، از اوضاع و احوال حکومت داری، شیوه تعامل و یا برخورد با دیگر کشورها به طور کلی از تحولات و تغییرات سیاسی، اجتماعی دنیا، اطلاع پیدا می کنند. امام علی (ع) فرمود: «مَنْ عَرَفَ الْأَيَّامَ لَمْ يَغْفَلْ عَنِ الْأُسْتَعْدَادِ» «کسی که شرایط زمان را بشناسد از آمادگی (برای برخورد با وقایع) غافل نمی شود.» (حکیمی، ۱۳۵۸:۱۳۵). حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله) هم در همین خصوص، فرمود: «نفع حکومت های دیکتاتور دنیا به این است که مردم سیاسی نباشند، مردم درک سیاسی، تحلیل سیاسی و شعور سیاسی نداشته باشند. اما یک حکومتی که می خواهد به دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد، مردم را همه چیز نظام می داند، مگر می شود مردم و بویژه جوانان و بالاخص جوانان دانشجو، در چنین نظامی، غیر سیاسی باشند؟ مگر چنین چیزی شدنی است؟ عالمترین عالم ها و دانشمندترین دانشمندانها هم اگر مغز سیاسی و فهم سیاسی نداشته باشند با یک آبنبات، به سوی دشمن می روند و مجذوب او می شوند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ آبان ۱۳۷۲) با این اوصاف، حزب، اعضای خود را به گونه ای آموزش و انضباط فکری و عملی می دهد تا آنان، همگون و یکپارچه گردیده و یکپارچگی خود را حفظ کنند. (ابوالحمد، ۱۳۶۴: ۴۳۵)

۷-۳. نظارت همگانی

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از جمله پارامترهای بنیادی-کاربردی در اسلام هست که نه تنها حزب در نظام مردم سالاری دینی، از دل آن، بیرون می آید بلکه بهانه ایست تا مردم در تصمیمات و برنامه های کشور مشارکت و حق اظهار نظر داشته باشند و به راحتی و از روی حس مسئولیت پذیری، بتوانند نسبت به امور حکومت و رفتار حاکمان، نظارت همگانی و مستمر داشته باشند. البته، این مهم، به سهولت، محقق نخواهد شد مگر اینکه ابزار لازم از طرف مردم مهیا گردد که از جمله ی این ابزار، تأسیس «حزب» خواهند بود تا به نمایندگی از طرف مردم بر امور داخلی و خارجی کشور، بطور آزادانه و در چارچوب نظم، امنیت و منافع ملی، اظهار نظر و نظارت نمایند. (بند پ ماده ۱۳ قانون احزاب) و با شفاف سازی برنامه های حاکمیت، بر اعتماد عمومی جامعه بیفزایند و در نهایت قدرت نرم نظام را ترقی دهند.

۸-۳. نظارت سیاسی و تقویت اقتدار نظام

هر کشوری برای نظم عمومی و ارتقاء سطح اقتدار حکومت خود، نیازمند تنظیم و ارائه برنامه های سیاسی-اجتماعی متنوع و مقتدری است. داشتن فعالیت سیاسی وظیفه ی ذاتی هر حزب دارای پروانه خواهد بود (بند الف ماده ۱۳ قانون احزاب مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۴) تا از آن طریق، مواضع سیاسی خود را اعلان و شفاف نماید. مقامات عالیه نظام، متناسب با معدل مواضع سیاسی احزاب مختلف و حسب میزان مشارکت و حمایت آنها، برای حفظ نظام و ارتقاء سطح اقتدار آن، برنامه ریزی می نمایند. چنین تصمیمات کارشناسی شده و برخوردار از ابزار لازم، در پیشبرد امور کشور و تقویت بنیه قدرت نرم و سخت نظام، مثمرتر خواهند بود فی المثل احزاب با تبلیغات گسترده سیاسی، اجتماعی، نقش عمده ای در افشای ماهیت گروه های معاند [لیبرال] و حرکت های براندازانه آنها خواهند داشت. (گونه شناسی بحرانها، ۱۳۸۱) در ادامه این کارکرد، به فرض اگر اظهار نظرها و صدور بیانیه ها و امر به معروف و نهی از منکر کردن های احزاب در رفع ابهامات، نواقصات و تصمیمات بالادستی نظام، مؤثر واقع نیفتد، آن وقت، حزب یا احزاب مربوطه با اطلاع از وزارت کشور و با رعایت بند ۶ ماده ۱۱ قانون احزاب و شروط مورد نظر اصل ۲۷ قانون اساسی می توانند نسبت به برگزاری راهپیمایی و تشکیل اجتماعات، اقدام نمایند. (بند خ ماده ۱۳ قانون احزاب مصوب ۱۳۹۴) حسب این نظارت غیر رسمی احزاب، دولتمردان در

پاسخ به انتقادات، اعتراضات و درخواستهای آنها مکلف می‌شوند جهت رفع نیازهای عمومی، از هر کوششی، دریغ نکنند. مخصوصاً اینکه با فشارهای متعدد احزاب، مقامات انتظامی - امنیتی کشور در برابر تهدیدات بیرونی، هوشیارتر می‌شوند و قدرت تدافعی کشور را متناسب با تهدیدات داخلی و خارجی بالا خواهند برد.

۹-۳. نظارت مالی

هر حزبی مکلف است به منظور شفاف سازی و پیشگیری از سوء نیت های احتمالی، کلیه ی درآمدها و هزینه های خود را در دفاتر قانونی، ثبت نماید. صورتی از تراز مالی خود را پس از تصویب شورای مرکزی حزب در پایان هر سال شمسی، به کمیسیون احزاب مستقر در وزارت کشور، گزارش دهد. یارانه های دولت را جهت اهداف حزبی خود مصرف نماید چنانچه از این مسیر قانونی، عدول کند کمیسیون احزاب متناسب با تخلف صورت گرفته، با آن حزب برخورد لازم را خواهد نمود این شفافیت در امور و هزینه ها برای اعضای که به دنبال رسیدن به قدرت و حاکمیت، تلاش می کنند نوعی چراغ قرمز از طرف قانون است که به این حزب و اعضای آن، پیام می دهد که قدرت، فساد آور است و چه بسا غفلت از قانون مداری، زمینه ساز گسترش فساد می گردد. علی ایحال هر کدام از اعضای حزب بایستی از اشرافی گری، قانونگریزی و مال اندوزی اجتناب نمایند تا آن حزب بتواند بطور غیر رسمی، نظارت به موقع و دقیقی بر امور اقتصادی نهادهای دولتی داشته باشد و بهتر بتواند بر اعتماد مردم به برنامه های نظام و قدرت نرم کشور بیفزاید.

۱۰-۳. نظارت شرعی و اخلاقی

هیچکدام از احزاب، جبهه ها و جریانات سیاسی موضوع قانون احزاب، نمی توانند با مبانی دین مبین اسلام و اخلاق حسنه، فعالیت مغایر داشته باشند (بند الف ماده ۱۸ قانون احزاب) علاوه بر تلاش برای تضمین حقوق و آزادیهای ملت، بایستی مروج و مبلغ برنامه های دینی و مذهبی در کشور باشند و بارفتار حزبی خود، زمینه ترویج اخلاق سیاسی در جامعه گردند. در صورتی که احزاب تأثیرگذار در کشور، از شروط مورد نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی عدول نمایند ممکن است استعمار از همین رفتار آنها، سوء استفاده کند و زمینه تفرقه رادر میان سیاسیون

و فعالان اجتماعی فراهم آورد تا جایی که ارزشهای نظام تضعیف شوند و به تبع این تفرقه درونی و وابستگی حزب به بیگانگان و آثار سوء دیگر آن در جامعه، آستانه اقتدار نظام به نفع استکبار، تنزل پیدا کند. بنابراین احزاب اسلامی، بیش از دیگر احزاب غیر دینی، باید اخلاق مدار و وفادار به آرمانهای نظام جمهوری اسلامی باشند.

نتیجه گیری

اگر نام سرزمین ایران و هویت ایرانی، تاریخ و جاذبه های فرهنگی و تمدنی، قدمت و تنوع زبان فارسی، کیفیت برتر نیروی انسانی هوشمند و کارآمد، روحیه ظلم ستیزی، خودباوری، وجود اندیشمندان و فلاسفه بزرگ ایرانی را از مؤلفه های ملی و مساجد، روحانیت، روحیه جهاد و شهادت، ولایت پذیری و مهدویت گرایی را جز مؤلفه های دینی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بدانیم. حزب هم که از جمله نهادهایی است که هم جایگاه دینی دارد و هم از پایگاه و دستاورد عقلی و مردمی برخوردار است، ملاحظه می شود که اثر حزب در هر دو گروه، پیداست و به همین دلیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت به وجود و آزاد بودن آن تأکید نموده است. حزب علاوه بر اینکه برای انتظام بخشی به حکومت، استحکام حاکمیت و توازن قدرت، تلاش می کند بپشتوانه ی دینی، مبلغ دستورات دین مبین اسلام و ضامن عدم تفرقه مردم جامعه اسلامی خواهد بود بنابراین، از باب کارکردهای نظارتی و تأثیراتی که بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارد به اجمال می توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. احزاب نه تنها از قلمرو و شروط مورد نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی، نباید عدول نمایند بلکه فعالیتهای سیاسی آنها طوری عملیاتی شوند که ناظر کارآمدی، برای تضمین حقوق و آزادیهای ملت و افزایش اعتماد عمومی و تقویت قدرت نرم، باشند
۲. گرچه احزاب سیاسی، برای مقاصد معینی پدید می آیند اما در آموزش، انتقال ارزش ها و فرهنگ سیاسی، ارتقاء سطح دانش و بینش عمومی و تقویت حمایت و وفاداری افراد به نظام سیاسی نقشی مؤثر دارند.
۳. احزاب غیر حاکم و به اصطلاح «اپوزسیون» نظارت و انتقاد از سیاست ها و عملکردهای دولت ها را وظیفه ی خود می دانند این نقش غیر حاکم و مخالف، تأثیر قابل توجهی در قانونمند شدن امور کشور، نظم پذیری و همه جانبه نگر بودن و جلوگیری از استبداد دولتها دارد.

۴. تشکیل جلسات بحث و انتقاد در حزب، اعضای آن را برای فعالیت های سنجیده ی اجتماعی و سیاسی آماده می نماید وقتی که حزب در قبال موضع سیاسی خود پاسخگو هست این به نوبه خود، روحیه ی قانونگرایی و مسئولیت پذیری را در جامعه گسترش می دهد.

۵. احزاب با توجه به رسالت ذاتی خود در جامعه اسلامی که ایجاد وحدت درون دینی و مبارزه با طاغوت است می توانند با تبلیغات گسترده سیاسی، اجتماعی خود، نقش عمده ای در افشای ماهیت گروه های معاند و براندازانه درکشور داشته باشند. از طریق آموزش های سیاسی، نیرو های انقلابی را سرو سامان دهند از این راه به انسجام نیروها، تقویت بنیه علمی، دینی و دفاعی نظام پردازند.

۶. با توجه به کارکردهای مؤثر نظارتی حزب بر اعمال حکومت، به نظر می رسد که بین این دسته از کارکردهای حزب و افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، رابطه معناداری وجود دارد.

منابع

۱. ابراهیمی، هادی؛ باباتبارسرخی، ابوالقاسم و موسی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۹). «انقلاب اسلامی ایران ومؤلفه های اقتدار ملی، مطالعه موردی اندیشه های حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول.
۲. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۴). مبانی علم سیاست، تهران: نشر توس.
۳. امام خمینی (ره) (۱۳۵۸). صحیفه امام، جلد ۸، سخنرانی در جمع مردم و پاسداران حصارک کرج.
۴. امام خمینی (ره) (۱۳۵۹). صحیفه امام، جلد ۹، سخنرانی در جمع مردم.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۰). درس هایی دموکراسی برای همه، تهران: نشر نگاه معاصر.
۶. پیشگاهی فرد، زهرا؛ قالیباف، محمدباقر؛ پورطاهری، مهدی و صادقی، علی (۱۳۹۰). «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۱.
۷. پور فرد، مسعود (۱۳۸۴). مردم سالاری دینی، قم: پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. جابرانصاری، محمدرضا؛ نجف بیگی، رضا و الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۹). «راهکارهای ارتقاء اعتماد عمومی به سازمانهای دولتی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم.
۹. حسینی شیرازی، آیت الله سید محمد (۱۴۰۳) الفقه السياسي، مترجم مطیعه رضایی، قم.
۱۰. حق پناهان، حمیدرضا؛ کرمی، حامد و همتی، مجتبی (۱۴۰۰). «رابطه بین حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه های قدرت نرم بانگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول.
۱۱. حکیمی، محمدرضا (۱۳۵۸). الحیاة، جلد ۱، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ آبان ۱۳۷۲.
۱۳. روزنامه عصر ما، ۱۳۸۰/۰۶/۲۴ توسعه و تحزب.
۱۴. سجادی عبدالقیوم (۱۳۸۰). «رهیافت های فقهی در تحزب»، پایگاه حوزه شماره ۱۸.
۱۵. فیرحی، داوود (۱۳۸۶). «مبانی فقهی وکلامی حزب در مذهب شیعه»، همایش تحزب و توسعه سیاسی، تهران: کتاب سوم

۱۶. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۱۷. محمودی نژادیان، جهانگیر (۱۳۶۹). رژیم احزاب سیاسی، تهران: نشر بعثت.
۱۸. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروهای مقاومت بسیج (۱۳۸۱). «گونه شناسی بحران ها و راهبردهای مقابله با آن».
۱۹. میخلر، روبرت (۱۳۷۳). جامعه شناسی احزاب، مترجم: احمد نقیب زاده، تهران: نشر قومس.
۲۰. مطهری مرتضی (۱۳۶۹). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. منصور، جواد (۱۳۸۶). سیاست و نهادهای اجتماعی، تهران: انتشارات امیر کبیر چاپ خانه سپهر.
۲۲. منوریان، عباس؛ نرگسیان، عباس؛ فتاحی، مهدی و واثق، بهاره (۱۳۸۹). «بررسی رابطه پاسخگویی عمومی، مشارکت عمومی و اعتماد عمومی در سازمان های دولتی (مناطق ۲۲ گانه شهر تهران)»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، پژوهش های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، شماره ۳.
۲۳. مهرداد هرمز (۱۳۷۶). جامعه پذیری سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر پازن.
۲۴. موسوی امجد، سیدحسین؛ زارعی، غفار و روان بد، امین (۱۴۰۰). «تأثیر باورهای مذهبی بر شکل گیری ارزش های مردم سالارانه دینی»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول.
۲۵. موسوی، سیدمحمدرضا و قنبری، سمیه (۱۳۹۹). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در افغانستان (۲۰۲۰-۲۰۰۱)»، تهران، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم.
۲۶. نای، جوزف (۱۳۹۲). آینده قدرت، ترجمه احمدعزیزی، تهران: نشر نی.
۲۷. نقیب زاده، احمد (۱۳۹۴)، «حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز»، تهران، انتشارات میزان.
۲۸. واعظی، احمد (۱۳۷۸) حکومت دینی، تأمل در اندیشه سیاسی اسلام، تهران: نشر مرصاد.
۲۹. هاشمی ترو جنی، سید محمد (۱۳۹۱) «احزاب و گروه های سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)» چاپ ۵، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۰. یوسفیه، ولی الله (۱۳۹۱). احزاب سیاسی، چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.